

بررسی آراء و افکار ابن باز درباره زیارت قبور

نرگس سادات ایوب نژاد^۱، مولود گرمودی ثابت^۲، حسین احمدی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی-فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد مشهد

^۲ استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

^۳ دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده

زیارت در فرهنگ اسلامی به معنای نوعی دیدار خاص همراه با اکرام و احترام از قبور بزرگان دینی است. در اسلام زیارت امری شایسته و مورد سفارش است که پیروان همه فرق و مذاهب اسلامی آن را قبول دارند. در این میان وهابیت از جمله ابن باز زیارت را امری حرام می داند. ابن باز زیارت قبور پیشوایان را عملی شرک آمیز و روی آوردن به غیر خدا می داند بدین خاطر منع زیارت آرامگاه اولیاء، عدم جواز ساختن گنبد و بارگاه بر آنان، لزوم ویران کردن آنها از آراء و نظرات او است. در این پژوهش سعی بر این است به روش توصیفی تحلیلی و با اتکا بر منابع مکتوب به بررسی دیدگاه ابن باز درباره زیارت بقاع متبرکه، نقد و بررسی آرای و نظرات او پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: زیارت، ابن باز، وهابیت، قبور.

۱- مقدمه

زیارت یکی از برنامه های عبادی و سیاسی در اسلام است که تجلی آن در مکتب تشیع زیباتر و با شکوه تر است و از محتوای بسیار غنی برخوردار است. زیارت یک نوع دیدار احترام آمیز از قبور بزرگان دینی است که در تاریخ اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است به طوری که همه مسلمانان و همه فرق و مذاهب اسلامی، زیارت را به عنوان امری عبادی پذیرفته اند ولی در میان فرق اسلامی، فرقه وهابیت زیارت را امری حرام و شرک آمیز می داند. ابن باز زیارت قبور را شرک و روی آوردن به غیر خدا می داند و بر لزوم نبود کردن بقاع متبرکه به عنوان بدعت وارده در دین تأکید کرده است. لذا با توجه به چنین انشقاقی در اندیشه های اسلامی مبنی بر عدم لزوم زیارت بقاع متبرکه، پرداختن به این مهم ضرورت می نماید؛ زیرا در احادیث و روایات مختلف همواره بر اهمیت زیارت ائمه و پیامبران به عنوان امری که در تربیت انسان و توجه به بیداری آنها و کمال روحی اجتماع بسیار موثر است تأکید کرده اند و از طرفی زیارت افراد مؤمن، انسان را بیدار می کند، خواب غفلت و دنیا پرستی را از او دور می کند. ولی با این وجود ابن باز از شرک آمیز بودن زیارت قبور سخن گفته است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- شرح حال ابن باز

نام وی «عبد العزیز بن عبد الله بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن باز» می باشد. وی نقش مهمی در احیای تفکرات، ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزیه و محمد بن عبدالوهاب داشته است. وی از مفتیان اهل سنت عربستان سعودی و از جمله طرفداران اصلی اندیشه سلفی گری^۱ است.^۲

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز بیش از ۱۶ سال از سال های پایانی عمرش، به عنوان مفتی بزرگ عربستان مطرح بود. او در سال ۱۳۷۱ هجری قمری، ریاست موسسه شریعت ریاض را بر عهده گرفت و در سال ۱۳۸۱ ق، به عنوان رئیس دانشگاه اسلامی مدینه، برگزیده شد. بن باز در سال ۱۴۱۴ ق به عنوان مفتی بزرگ عربستان سعودی، به مجلس علما معرفی گردید و سرانجام در سال ۱۴۱۶ ق، ریاست آن مجلس را بر عهده گرفت. در ۱۴۰۲ ق، ملک فیصل و در سال ۱۴۱۲ ق، ملک فهد از او به خاطر خدماتش به اسلام قدرانی کردند. از بن باز، افراطی ترین فتواها به جای مانده است و او را می توان یکی از بانیان حرکت های تکفیری دهه نخست در جهان اسلام دانست. حرکتی که به راحتی، مسمانان را به دلیل علاقه مندی به توسل و زیارت پیامبر (ص) و خاندان پاک او، تکفیر کرده، ریختن خونشان را روا بلکه واجب می شمارد.^۳

^۱ سلفی به گروهی از مسلمانان اهل سنت گفته می شود که به دین اسلام تمسک بسته و خود را پیرو سلف صالح می دانند و در عمل و اعتقادات خود

از پیامبر اسلام(ص)، صحابه و تابعین تبعیت می کنند. سلفی ها تنها قرآن و سنت را منابع احکام و تصمیمات خود می دانند

^۲ <https://fa.wikipedia.org>.

^۳ <http://salafi-vahabi.blogfa.com>

۳- روش تحقیق

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استخراج مطالب از منابع کتابخانه ای، مقالات و سایت های اینترنتی مرتبط با موضوع به بررسی ادبیات تحقیق و یافته های آن پرداخته شده است و در نهایت با بررسی دیدگاه ها و نظرات مختلف به جمع بندی و نتیجه گیری منجر می گردد.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- آراء «ابن باز» درباره زیارت قبور:

وی در مورد زیارت قبور قائل است که در حقیقت، زیارت بر سه نوع است: نوع اول: که مشروع است، آن که انسان به زیارت شخصی به جهت دعا بر اهلیش برود یا رفتن او به جهت یادآوری آخرت باشد. نوع دوم: آن که به جهت قرائت قرآن نزد آن قبر یا خواندن نماز یا قربانی نزد آن قبر برود. که این عمل بدعت و از وسایل شرک است.

نوع سوم: آن است که به زیارت قبر به جهت ذبح برای میت و تقرب از این راه برود، یا او را صدا زده و غیر از خدا، از او مدد و یاری بخواهد. که این شرک اکبر است.

۴-۱-۱- نقد و بررسی آراء «ابن باز» درباره زیارت قبور:

ادله مشروعیت زیارت قبور: در ابتدا به ذکر ادله جواز یا استحباب زیارت قبور می پردازیم:

۴-۱-۱-۱- فطرت

در مورد زیارت اموات و قبور نزدیکان و کسانی که بر گردن ما حق دارند، انسان مشاهده می کند که این عمل از جمله کارهایی است که نفس سلیم انسان از هر قوم و ملیتی که باشد بر آن رغبت دارد و این نیست مگر به جهت وجود میل باطنی فطری که در تمام افراد بشر وجود دارد و از آنجا که شریعت، هادی به فطرت است لذا می توان از این طریق به مشروعیت زیارت قبور پی برد. (رضوانی، ۱۴: ۱۳۸۵)

۴-۱-۱-۲- قرآن

آیات مختلفی از قرآن با مضامین گوناگونی وجود دارند که می توان از آن ها حکم جواز یا استحباب زیارت قبور اولیای الهی را به دست آورد که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۲- ۱- خداوند متعال در نهی از حضور پیامبر (ص) در کنار قبور منافقین می فرماید: «وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ»^۱

و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش)، نایست!

آیه در صدد شکستن شخصیت منافقین بوده و پیامبر (ص) را از حضور در هنگام دفن منافق یا توقف هنگام زیارت قبور، منع کرده است.

۲- ۲- خداوند متعال در مورد اصحاب کهف و نزاع مردم در کیفیت تعظیم از آنان می فرماید: «... إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»^۱

^۱ توبه: ۸۴

در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگوئید که) پروردگارش از وضع آنها آگاه تر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).

۴-۱-۱-۳- احادیث

پیامبر اکرم (ص) نه تنها به زیارت قبور امر نموده، بلکه خود نیز به زیارت قبور می‌رفت تا عملاً استحباب و جواز این مسأله را تثبیت کند.

حال به روایاتی در همین مورد از منابع اهل سنت و شیعه اشاره می‌کنیم:

الف - منابع اهل سنت:

در روایات فراوانی آمده است که هدف از زیارت، عبرت گرفتن و رسیدن به پاداش و ثواب و یاد کردن مرگ و آخرت و بازداشتن از پیروی از هوای نفس و درخواست استغفار و رحمت پروردگار هم برای زائر و هم برای فرد زیارت شده است. اینک چند نمونه از آنها را یادآور می‌شویم:

۱- حاکم نیشابوری به سند خود از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور، ألا فزوروها فإنها ترق القلب وتدمع العين، وتذكر الآخرة، ولا تقولوا هجرأ» (سیوطی، ۲۹۷: ۱۴۰۱ق)

من در ابتدا از زیارت قبرها شما را منع کردم، آگاه باشید پس از این، آنها را زیارت کنید زیرا سبب ملائمت شدن قلب‌ها، جاری شدن اشک‌ها و یادآوری قیامت می‌گردد، ولی در وقت زیارت کردن سخن بیهوده نگوئید.

۲- ابوبکر می‌گوید از پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود: «من زار قبر والديه او احدهما كل جمعة فقرا عندهما يس غفر الله له بعدد كل حرف منها»

هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از آنها را در هر جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان سوره یس بخواند، در مقابل هر حرفی که از این سوره می‌خواند، خداوند آمرزشی نصیب او می‌فرماید. (سیوطی، ۵۲۸: ۱۴۰۱ق)

ب - منابع شیعه:

در مدارک شیعیان نیز روایات فراوانی نقل شده که چند نمونه آنها را یادآور می‌شویم:

۱- کلینی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که علی (ع) فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَقَرَأَ عِنْدَهُمَا يَسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا» (حرعاملی، ۲۲۳: ۱۴۱۴)

مردگان خویش را زیارت کنید زیرا خوشحال می‌شوند، نزد قبر پدر و مادر حاجت‌تان را از خداوند درخواست و برآنان دعا کنید.

۲- از امام صادق (ع) روایت شده است که: «مردگانتان هنگامی که شما به زیارتشان می‌روید، با شما انس می‌گیرند و هرگاه که از آنان پنهان می‌شوید، وحشت زده می‌شوند». (حرعاملی، ۲۲۳: ۱۴۱۴ق)

۴-۱-۱-۴- اجماع

علمای اسلامی از همه طوایف و مذاهب، بر استحباب زیارت قبور خصوصاً قبور انبیا و صالحان و اولیا اتفاق کرده اند.

قسطلانی می‌گوید: «قد أجمع المسلمون على استحباب زيارة القبور كما حكاها النووی، وأوجبها الظاهرية، فزیارته مطلوبه بالعموم والخصوص، لما سبق، أي لما سبق من الروایات، ولأن زیاره القبور تعظیم، وتعظیمه واجب. ولهذا قال بعض العلماء: لا فرق فی زیارته صلى الله عليه وآله بين الرجال والنساء» (قسطلانی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۵)

مسلمانان اجماع بر زیارت قبور دارند آن گونه که نووی حکایت کرده است. ظاهریه آن را واجب می‌دانند. پس زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل عام و خاص، مطلوب است و به جهت آنچه از روایات گذشت و دیگر این که زیارت قبور تعظیم است و تعظیم پیامبر صلی الله علیه و آله واجب می‌باشد؛ و به همین جهت برخی از علما گفته اند در استحباب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله بین مردان و زنان فرقی نیست.

۴-۱-۱-۵- سیره گذشتگان

با رجوع به سیره صحابه و تابعین و علمای اسلام پی می‌بریم که زیارت قبور، سیره همه آنان بوده است، اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

حاکم نیشابوری از علی (ع) چنین روایت کرده است: «ان فاطمة كانت تزور قبر عمها حمزه، كل جمعة فتصلي و تبكي عنده.»

فاطمه زهرا (س) هر جمعه، قبر عمویش حمزه را زیارت می‌کرد و پس از زیارت، در کنار قبر، به نماز و گریه می‌پرداخت.

۴-۲- آراء «ابن باز» مسافرت به قصد زیارت قبور

اودر مورد مسافرت به قصد زیارت می‌گوید: به خاطر زیارت مسافرت نکند و لکن اگر در شهر مدینه است برای او زیارت قبر پیامبر (ص) و قبر دو نفر کنارش و زیارت بقیع و شهداء و مسجد قباء مشروع است؛ اما شدّ رحال از راه دور اگر فقط برای زیارت باشد، جایز نیست بنابر قول صحیح از علماء و به استناد حدیث پیامبر (ص) که نقل شده که فرمودند: «لا تشدوا الرحال الا الی ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجدی^۱ هذا و المسجد الاقصی» (بخاری، ۵۶: ۱۴۰۱)

بار بندی و مسافرت نکنید مگر به سه مسجد، مسجدالحرام و مسجد من و مسجد الاقصی

اما اگر مسافرت به سوی مسجد النبی و زیارت قبور شریف و قبور دیگر به تبع بود اشکال ندارد البته وقتی به مسجد رسید باید هر مقدار می‌تواند نماز بخواند و سپس زیارت کند قبر پیامبر (ص) و دو نفر کنارش را که این سنت است. (حرعاملی، ۲۲۳: ۱۴۱۴ق)

با توجه به استحباب زیارت مرقد پیامبر، مسلمانان در برابر این هدیه الهی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۴-۲-۱- نقد و بررسی آراء «ابن باز» مسافرت به قصد زیارت قبور

الف) ساکنان شهر مدینه: ساکنان شهر مدینه که افتخار هم جواری با پیامبر را دارند بدون هیچ زحمت و رنجی می‌توانند بر این حکم استحبابی جامه عمل بپوشانند.

^۱ مسجد النبی

ب) ساکنان نقاط دیگر: ساکنان نقاط دیگر برای زیارت قبر آن حضرت باید رنج سفر به خود هموار سازند تا بتوانند در برابر کعبه قلوب بایستند و بگویند: «السلام علیک یا رسول الله».

در اینجا سوالی مطرح می‌شود که حکم این سفر از نظر شرعی چیست؟

سفر که مقدمه امر مستحب است نمی‌تواند حرام باشد زیرا معقول نیست که خدا ما را به انجام مستحبی زیارت قبر پیامبر (ص) دعوت کند ولی مقدمه آن را تحریم نماید. از این رو باید گفت سفر برای چنین مقصدی امری جایز و مباح است و برخی معتقدند مقدمه مستحب، مانند خود او مستحب می‌باشد و با آیاتی مانند آیه ۱۰۰ سوره نساء و آیه ۱۲۰ و ۱۲۱ از سوره توبه بر این مطلب استدلال می‌کنند.

۴-۳-آراء «ابن باز» درباره زیارت قبور توسط زنان:

وی در این مورد می‌گوید: «زیارت قبور در اول اسلام هم برای زنان و هم برای مردان به خاطر شرک ممنوع بود ولی زمانی که اسلام گسترش یافت و توحید انتشار پیدا کرد، پیامبر (ص) زیارت قبور را برای همه اجازه داد سپس، به خاطر فتنه در زیارت زنان، زنان را به منع از زیارت قبور، اختصاص داد.» (الشويعر: ۴۲۴: ۱۴۱۷)

وی همچنین در مورد سبب حرمت می‌گوید: سبب حرمت زیارت زنان عبارت است از اینکه:

- ۱- زن‌ها غالباً صبرشان کم است و در زیارت قبور کارهایی را انجام می‌دهند که منافات دارد با صبری که واجب است.
- ۲- زنان فتنه هستند و زیارت قبور توسط زنان و دنبال جنازه آمدن آنها موجب فتنه برای مردان می‌شود همان طور که پیامبر (ص) در حدیث صحیح بخاری فرمودند: «ما ترکت بعدی فتنه اضر علی الرجال من النساء.» (ترمذی، ۳۷۱: ۱۴۰۳ ق) پس از من برای مردان فتنه‌ای زیان بارتر از زنان نخواهد بود.

۴-۳-۱- نقد و بررسی آراء «ابن باز» درباره زیارت قبور توسط زنان:

زنان و مردان در زیارت قبور عزیزان خود و یا اولیای خود و یا اولیای الهی، حکم یکسان دارند زیرا احکام اسلام درباره زن و مرد یکسان است مگر آنجا که بر اختصاص، دلیلی باشد. روایاتی وجود دارد که برجایز بودن زیارت برای زنان گواهی می‌دهد که به یک مورد بسنده می‌کنیم:

«ترمذی» از «عبد الله بن ابی ملیکه» نقل می‌کند: وقتی «عبد الرحمن» فرزند «ابی بکر» در نقطه ای به نام «حبشی» درگذشت، جنازه او را به مکه حمل کرده و در آنجا به خاک سپردند بعدها که خواهر او، عایشه، به مکه آمد به زیارت قبر عبد الرحمن رفت

علمای اهل سنت و فقهای آنان تصریح به جواز زیارت زنان از قبور کرده اند که به آن اشاره می‌کنیم:

شیخ منصور علی ناصف از علمای الازهر می‌گوید: «زیاره النساء للقبور جائزه بشرط الصبر وعدم الجزع وعدم التبرج وأن یکون معها زوج أو محرم، منعاً للفتنه.» (ترمذی، ۳۷۱: ۱۴۰۳ ق)

زیارت زنان از قبرها جایز است به شرط آن که صبر داشته و جزع نکنند و همانند عصر جاهلیت بیرون نیایند؛ و این که همراه آنان همسرشان یا محرمی باشد تا از فتنه جلوگیری شود.

۴-۴-آراء «ابن باز» در مورد بناء بر قبور:

«ابن باز» در مورد بناء بر قبور قائل است که: قرار دادن قبه‌ها بر قبور و مساجد جایز نیست به خاطر قول پیامبر (ص) که فرمودند: «لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد» (بخاری، ۱۴۰۳:۶۱ ق) و همچنین قول پیامبر (ص) برای علی (ع): «لا تدع صورة الاطمستها و لا قبرا مشرفا الا سويته» ساختن بناء بر قبر هیچ شخصی جایز نیست چه آن بناء مقام نامیده شود و چه مسجد یا قبه یا غیر آن؛ زیرا قبور در عصر رسول خدا (ص) و عصر صحابه در بقیع و غیر بقیع مکشوف بوده و هیچ بنایی نداشته اند.

از این رو «واجب است که منهدم کنند قبه‌هایی که بر قبور است زیرا آنها فتنه و از اسباب شرک و حرام می‌باشند و پیامبر از بناء بر قبور، نهی کرد»

۴-۴-۱-نقد و بررسی آراء «ابن باز» در مورد بناء بر قبور:

۴-۴-۱-قرآن و بنای بر قبور

قرآن کریم به مسأله بنای بر قبور به طور صریح و خاص نپرداخته است؛ لکن می‌توان حکم آن را از ضمن آیات قرآن استفاده نمود:

الف-بنای بر قبور، تعظیم شعائر الهی

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «...وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (الشويعر: ۲۸۵:۴۰۴ ق)

و هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد، این صفت دل‌های باتقواست.

ب- بنای بر قبور از مصادیق مودت ذوی القربی

قرآن کریم به صراحت، امر به مودت و محبت اقبای پیامبر اسلام (ص) فرموده آنجا که می‌فرماید: «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...»^۱

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]

واضح است که بنای بر قبور اقبای پیامبر (ص) از مصادیق اظهار مودت و محبت اهل بیت علیهم السلام است. (رضوانی، ۵۸۰:۱۳۸۴)

ج- بنای بر قبور اولیای الهی مصداق ترفیع بیوت

خداوند متعال در قرآن کریم اذن داده که خانه‌هایی که در آنها یاد خدا شده، رفعت پیدا کند، آنجا که می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...»^۲

(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند* مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا غافل نمی‌کند...

^۱ شوری: ۲۳

^۲ نور: ۳۶ و ۳۷.

۲-۴-۴- سیره گذشتگان در بنای بر قبور

با مراجعه به تاریخ مسلمین بعد از ظهور اسلام پی می‌بریم که بنای بر قبور، سیره عملی مسلمین در طول تاریخ بوده و مورد اعتراض هیچ یک از صحابه و تابعین تا این زمان واقع نشده است. به نمونه‌هایی از این سیره عملی اشاره می‌کنیم:

۱- «بخاری» در صحیح خود روایت کرده: «بعد از وفات حسن بن حسن بن علی علیهما السلام همسر او تا یک سال قبه ای بر قبر او زد و به عزاداری پرداخت.» (بخاری، ۶۲: ۱۴۰۱)

۲- «بخاری» نقل می‌کند که بعد از وفات عبد الرحمن بن ابو بکر، عایشه دستور داد تا سر قبر او خیمه‌ای زده شود و کسی را نیز موکل بر آن قبر نمود... (نووی، ۱۱۹: ۱۴۰۷)

اهل سنت نیز قائل به عدم حرمت بناء بر قبور می‌باشند که بعضی از آن‌ها را متذکر می‌شویم:

۱- «عبد الرحمن جزیری» می‌گوید: «کراهت دارد که بر روی قبر، قبه یا بنا ساخته شود.» (الجزیری، ۴۲۱: ۱۴۱۰)

۲- «امام نووی» می‌گوید: «بنای بر قبور اگر در ملک بانی باشد، مکروه است و اگر در مقبره ای باشد که راه مردم است، حرام است.» (نووی، ۵۲: ۱۴۰۷)

۴-۵- آراء «ابن باز» درباره نماز و دعا و طواف قبور

«ابن باز» در مورد موضوعات فوق می‌گوید: «دعا نزد قبور، غیر مشروع است چه قبر پیامبر (ص) باشد یا قبر غیر پیامبر. قبور، محل اجابت دعاها نیستند و بلکه مشروع، زیارت قبور و سلام بر مردگان و دعا برای آنها و یاد آخرت و مرگ می‌باشد. (الشعور، ۳۲۷: ۱۴۱۰ق) نماز در کنار قبور بدعت و از وسایل شرک است. پیامبر (ص) فرمود: «اجعلوا من صلاتکم فی بیوتکم و لا تتخذوها قبورا». این حدیث دلالت دارد بر این که در کنار قبور نباید نماز خواند و تنها نماز را باید در مساجد یا خانه به جای آورد.»

همچنین می‌گوید: «از آنجا که نماز و دعا کنار قبور اولیا راهی به سوی شرک است و ممکن است انسان را در برخی از موارد در خط شرک قرار دهد، باطل و حرام است.» (بن باز، ۳۰۲: ۱۴۲۹)

همچنین «...بن باز» در مورد طواف قبور می‌گوید: «طواف قبور برای کسانی که ادعا می‌کنند که طوافشان به قصد عبادت خداست حکم بدعت را دارد و شخصی که طواف می‌کند بدعت گذار می‌باشد و لکن غالب طواف کنندگان قبور قصد تقرب به اهل قبور را دارند که این شرک اکبر می‌باشد و کسی که به شرک اکبر بمیرد کافر است و غسل و نماز ندارد و نباید او را در قبرستان مسلمین دفن کرد» و همچنین می‌گوید: «طواف قبر پیامبر (ص) جایز نیست پس هنگامی که به قصد تقرب به پیامبر (ص) طواف کند این شرک به خداوند است چون طواف در دور کعبه عبادت است و این طواف صلاحیت ندارد مگر برای خداوند. پس هر شخصی که طواف قبر پیامبر (ص) یا غیر ایشان را به قصد تقرب به آنها کرد، مشرک شده است.» (الشويعر، ۵۰: ۱۴۱۰ق)

۴-۵-۱- نقد و بررسی آراء «ابن باز» درباره نماز و دعا و طواف قبور

این موضوع از جمله مسائل مورد اختلاف بین مسلمین از طرفی و وهابیان از طرف دیگر است. مسلمانان چون وجود اولیای الهی را در حیات و مرگشان و نیز بقعه و بارگاه و قطعه زمینی که آن‌ها را در خود دارد، متبرک می‌دانند از طرف دیگر، توسل به اولیای الهی را در حال حیات و ممات جایز می‌دانند، نمازشان را در کنار قبور اولیای الهی خوانده و قبور را طواف می‌کنند. در مقابل، وهابیان با این عمل به مخالفت برخاسته و آن را تحریم کرده اند.

از آیات و روایات استفاده می‌شود که برخی از زمین‌ها و بقعه‌ها مبارک و بر زمین‌ها و بقعه‌های دیگر ترجیح دارند و در مقابل، برخی از زمین‌ها و بقعه‌ها غیر مبارک بوده و باید از آن‌ها پرهیز نمود.

الف- آیات

خداوند متعال در مورد کعبه و مکه می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيْنَكَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱ نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است.

ب- روایات

با مراجعه به روایات پی می‌بریم که گاهی قطعه ای زمین همانند بانیان آن‌ها متصف به صفت شقاوت و سعادت می‌شوند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

بخاری به سندش از عبد الله بن عمر نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که از سرزمین ثمود می‌گذشت، فرمود: «به سرزمین‌هایی داخل نشوید که صاحبان آن‌ها به خود ظلم نمودند تا شما نیز همانند آنان به مصیبت مبتلا نگردید. مگر درحالی که گریانید. آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله سر مبارک را پوشانید و به سرعت از آن وادی گذر نمود.» (بخاری، ۷: ۱۴۰۱)

ج- فتاوی علمای اهل سنت:

با مراجعه به کتاب‌های فقهی اهل سنت، پی می‌بریم که همگی قائل به جواز برپایی نماز و دعا و طواف در کنار قبور اولیای الهی‌اند:

از «ابوحنیفه» نقل شده که گفت: «ایوب سختیانی»^۲ نزدیک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شد، سپس پشت به قبله نمود و رویش را به طرف قبر کرد و گریه نمود. (امین، ۲۶۱: ۱۴۰۵)

۵- نتیجه گیری

زیارت از امور عبادی مهم مسلمانان است که سابقه آن به اندازه تمام تاریخ اسلام است. همواره امور چون زیارت قبر پیامبر (ص) و مرقد اولیاء و ائمه و امامزادگان (ع)، سفر کردن برای این امر مهم معنوی، توسل به آنان و شفیع قرار دادن به دلیل دارا بودن منزلت رفیع نزد پروردگار رواج داشته است و در میان فرق و مذاهب اسلامی در طی قرون متمادی، درباره فضیلت زیارت بقاع متبرکه اتفاق نظر وجود داشته است. ولی ابن باز از دیدگاهی متفاوت را ارائه کرد. آرائی که مبتنی بود بر عدم جایز بودن سفر برای زیارت، ساختن بارگاه و گنبد و لزوم نابودی آنها... این عقاید توسط فرقه وهابیت توسعه یافت و آثار و نتایج مخرب از جمله: ویرانی و نابودی آثار فرهنگ و تمدن اسلامی و بی احترامی به پیشگاه بقاع متبرکه و تفرقه در بین مسلمانان را در پی داشت. ولی وجود این علما و بزرگان اسلام کتب فراوانی در رد آراء ابن باز نگاشته‌اند و در نهایت اجماع همه طبقات امت اسلامی، بر نیکو بودن سنت زیارت خبر است.

^۱ آل عمران: ۹۶

^۲ ایوب بن ابی تمیمه مشهور به سجستانی و یا سختیانی بصری (محدث و فقیه اهل سنت) که اهل سنت او را در ردیف بزرگان فقهی تابعین قرار داده‌اند.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. امین، سید محسن، *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب*، مکتبه الحرمین، قم، بی تا ص ۲۶۱
۳. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۱ ق ج ۶، ص ۷
۴. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی ابن سوره، *سنن ترمذی*، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۳۷۱
۵. الجزیری، عبد الرحمن، *الفقه علی مذاهب الاربعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا ج ۱، ص ۴۲۱
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعہ*، موسسه آل البيت الاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق، ابواب دفن باب ۵۹، ج ۳، ص ۲۲۳
۷. رضوانی، علی اصغر، *سلفی گری و پاسخ به شبهات*، جمکران، قم، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۸۰
۸. رضوانی، علی اصغر، *زیارت قبور، مسجد مقدّس جمکران*، قم، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۴
۹. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر، *جامع الصغیر*، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۲۹۷
۱۰. *فتاوی نور علی الدرب*، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مدار الوطن للنشر، ریاض، ۱۴۲۹ ق. ج ۱، ص ۳۰۲
۱۱. قسطلانی، شهاب الدین احمد بن محمد، *المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه*، المکتب الاسلامی، دمشق، بی تا ج ۳، ص ۴۰۵
۱۲. قشیری نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، بی تا. ج ۳، ص ۶۱
۱۳. محمد بن سعد الشویعر، دارالقاسم للنشر، مجموعه فتاوا و مقالات متنوعه، دارالقاسم للنشر، ج ۳، ص ۳۱۸
۱۴. نووی، ابی ذکریا محی الدین بن شرف، *شرح صحیح مسلم*، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۱۹

A Review of Ibn Baaz's Views and Thoughts about Pilgrimage to Graves

Narges Sadat Ayoobnejad¹, Moloud Garmroudi Sabet², Hossein Ahmari³

1. *M.A student of Theology and Islamic Sciences - Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Branch of Mashhad*
2. *Assistant professor, faculty member of Islamic Azad University, Branch of Mashhad, Faculty of Theology and Islamic Sciences*
3. *Associate professor, faculty member of Islamic Azad University, Branch of Mashhad, Faculty of Theology and Islamic Sciences*

Abstract

Pilgrimage in the Muslim culture refers to a special visit with honor and respect to the tombs of religious figures. Pilgrimage is regarded as an advisable and necessary act in Islam so that it is accepted by the followers of all Islamic sects. However, Wahhabists including Ibn Baaz forbid pilgrimage. Ibn Baaz regards pilgrimage to the shrines of Imams as a pagan practice and an instance of atheism. This is why he believes in the prohibition of visiting the tombs of saints and giving the permit to build domes on them, and considers it necessary to destroy them. This research is an attempt to review and criticize the ideas and opinions held by Ibn Baaz regarding pilgrimage to holy shrines.

Keywords: Pilgrimage, Ibn Baaz, Wahhabism, Graves
